

اصول منشور بال در زمینه اصلاح نظام بانکی

موافقت قبلی مقام باسازمان نظارت کننده بر امور بانکی در کشور متبوع بانک متقاضی در زمره حداقل مواردی است که در فرآیند صدور اجازه باید گنجانده شود.

اصل چهارم. نظارت کنندگان بر بانکها باید اختیار داشته باشند که پیشنهادهایی را که انتقال بخش عمده ای از مالکیت و یا بیش از ۵۰ درصد حق رأی بانکهای موجود را به طرفهای دیگر متضمن است بررسی نموده و در صورتیکه مقتضی بدانند نسبت به عدم پذیرش آن اقدام کنند.

اصل پنجم. نظارت کنندگان بر بانکها باید اختیار داشته باشند که ضوابط ناظر بر سرمایه گذارهای عمده بانکها را خواه در فعالیتهای جدید و خواه در زمینه خرید مؤسسات دیگر تعیین نمایند به گونه ای که اطمینان حاصل شود که وابستگی ها و تغییرات ساختاری ناشی از اینگونه سرمایه گذاریها بانکها را در معرض خطرات غیر لازم قرار نداده و نظارت مؤثر بر بانکها را با محدودیتی مواجه نخواهد ساخت.

اصل ششم. نظارت کنندگان بر بانکها باید حدود مناسبی را برای کفایت سرمایه بانکها تعیین کنند. این حداقلها باید با خطراتی که بانکها عرفاً می پذیرند متناسب باشد و در عین حال در آن باید با ملاحظه قدرت زیان پذیری بانکها اجزای سرمایه تعریف شود. برای بانکهایی که در عرصه بین المللی فعالیت می کنند این الزامات نباید از حدودی که در موافقتنامه بال تعیین شده کمتر باشد.

اصل هفتم. ارزیابی سیاستها، عملیات و روشهای اجرایی بانکها در زمینه اعطای تسهیلات، وام و اعتبار و انجام سرمایه گذاریها و مدیریت داراییهای مالی از اجزا و عناصر ضروری در نظامهای نظارت بر بانکها است. اصل هشتم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت

○ اصل اول. در نظام نظارت بر بانکها باید مسئولیت و هدفهای دستگاهها و سازمانهایی که امر نظارت بر نهادهای بانکی را عهده دارند به گونه ای روشن و صریح تعیین شده باشد. چنین دستگاهها و سازمانهایی در عین حال باید از استقلال عملیاتی و منابع کافی برخوردار باشند. وجود یک چارچوب قانونی مناسب متضمن پیش بینی های لازم در زمینه صدور مجوز برای شروع فعالیتهای بانکی و نظارت مستمر بر بانکها، اطاعت از قوانین و مقررات بانکی و رعایت شرایط لازم برای تأمین سلامت فعالیتهای بانکداری و همچنین حمایت قانونی از نظارت کنندگان نیز از الزامات استقرار هر نظام کارآمد نظارت بر فعالیتهای بانکی است. در نظام نظارت بر بانکها باید ترتیبات و تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین نظارت کنندگان در عین حفظ اسرار نهادهای بانکی و محرمانه تلقی کردن این اطلاعات نیز فراهم گردد.

اصل دوم. فعالیتهای مجاز نهادهایی که به عنوان بانک اجازه فعالیت کسب می کنند و باید مورد نظارت واقع شوند باید به نحو روشن تعریف گردد و در اطلاق نام بانک محدودیتهای لازم اعمال گردد به گونه ای که فقط نهادهایی که فعالیتهایشان اصالتاً و ماهیتاً جنبه بانکداری دارد به این نام متصف شوند.

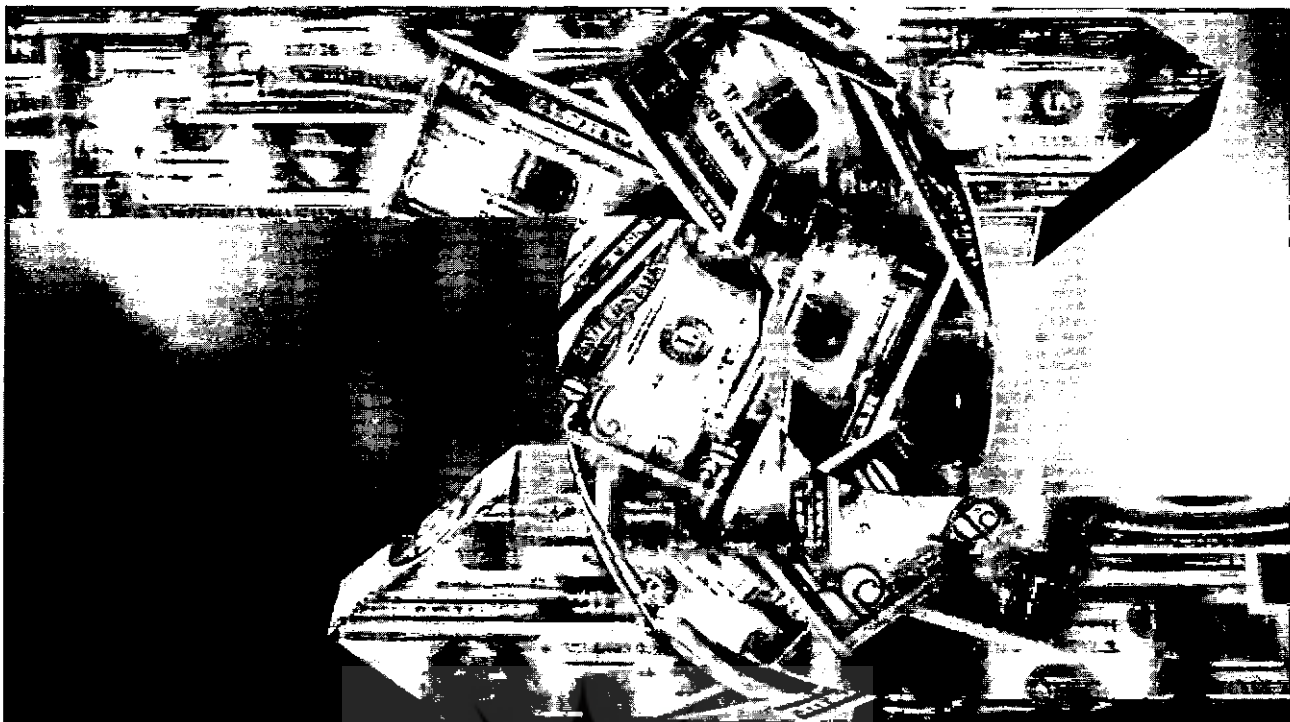
اصل سوم. سازمانی که اجازه فعالیتهای بانکی را صادر می کند باید از جهت برقراری ضوابط تأسیس و همچنین عدم پذیرش تقاضاهایی که با استانداردهای تعیین شده مطابقت ندارد از اختیارات و حقوق لازم برخوردار باشد. ارزیابی ساختار مالکیت سازمان بانکی اجازه گیرنده، و همچنین ارزیابی مدیران و مدیریت ارشد، برنامه عملیاتی، کنترلهای داخلی، پیش بینی وضعیت مالی و از جمله پایه سرمایه و در مواقعی که در پیشنهاد عرضه شده مالک یا مؤسسه بانکی مادر یک بانک خارجی باشد کسب

نمایند که بانکها با ارزیابی پیوسته کیفیت داراییهای خود و همچنین با اتخاذ سیاستها و استقرار سازوکارها و روشهای مناسب اقدامات لازم را در جهت پیش بینی و ذخیره سازی برای جبران زیانهای ناشی از تسهیلات اعتبارت و وامهای مشکوک الوصول و لاوصول بعمل آورند.

اصل نهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها با بکارگیری نظامهای اطلاعاتی مدیریت تمهیدات لازم را برای آگاه ساختن اداره کنندگان بانک نسبت به ساختار داراییهای مالی و تغییرات آن فراهم آورده و در این زمینه به ویژه نظارت کنندگان بر بانکها باید سقف ها و مقررات احتیاطی را به گونه ای تعیین نمایند که بانکها نتوانند با اعطای سهم عمده ای از تسهیلات به وام گیرنده واحد و یا گروهی از وام گیرندگان مرتبط با هم خود را در معرض خطرات غیر قابل جبران قرار دهند.

اصل دهم. برای جلوگیری و ممانعت از بروز سوءاستفاده های ناشی از اعطای تسهیلات به وابستگان، نظارت کنندگان بانکها باید مقررات لازم را در جهت شفاف سازی و محدود نمودن اعطای تسهیلات و وام به شرکتها و اشخاص وابسته برقرار نمایند، تمدید این وامها و تسهیلات را به دقت مورد بازبینی و نظارت مستمر قرار دهند و در عین حال با اتخاذ روشهای مناسب در جهت کاهش و کنترل خطرات ناشی از اینگونه فعالیتهای بانکی اقدام کنند.

اصل یازدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها در معاملات خارجی خود و بخصوص فعالیتهای مرتبط با اعطای وام و سرمایه گذاریهایشان با اتخاذ سیاستها و استقرار سازوکارها و بکارگیری روشهای مناسب خطر کشوری و خطر انتقال را لحاظ نموده و در قبال اینگونه خطرات همواره ذخیره سازی و احتیاطهای لازم را پیش بینی و بعمل آورند.



به گونه ای که بتوانند در موارد تخلف بانکها نسبت به اجرای مقررات احتیاطی (نظیر عدم رعایت نسبتهای حداقل مربوط به کفایت سرمایه) و یا هرگونه تخلف دیگری در زمینه رعایت قوانین و مقررات بانکی و اقداماتی که سیرده گذاران را در معرض تهدید قرار دهد به موقع نسبت به تصحیح امور و انجام اصلاحات لازم وارد عمل شوند. در شرایط خاص این اختیارات می تواند متضمن لغو مجوز بانک یا پیشنهاد لغو مجوز بانک نیز باشد.

اصل بیست و سوم. نظارت کنندگان بر بانکها باید با برقراری ضوابط و معیارهای احتیاطی مناسب که کلیه جنبه های فعالیت بانکهای وابسته را در خارج دربر می گیرد بر سازمانهای بانکی خود که در سطح بین المللی فعالند نظارت جهانی و تلفیقی داشته باشند. شعب خارجی بانکهای داخلی و همچنین بانکهایی که از طریق سرمایه گذاری مشترک در خارج ایجاد شده در شمول این نظارت قرار می گیرد.

اصل بیست و چهارم. برقراری تماس و تبادل اطلاعات با دیگر نهادهای نظارتی ذیربط در سطح بین المللی و به خصوص با سازمانهای نظارتی در کشور میزبان از اجزای و عناصر اصلی اینگونه نظارت تلفیقی است.

اصل بیست و پنجم. نظارت کنندگان بر بانکها باید بانکهای خارجی را مکلف نمایند که در حوزه فعالیت شان در کشور میزبان عیناً همان ضوابطی را که برای نهادهای داخلی بانکی و کیفیت فعالیت آنها مقرر شده رعایت نمایند. در عین حال نظارت کنندگان بر بانکها باید برای برقراری ارتباط با نهادهای نظارتی بانکی در کشور و یا کشورهای موطن بانکهای خارجی و انجام نظارت تلفیقی از اختیارات لازم برخوردار باشند. ●

اخلاقی و حرفه ای لازم را در خور فعالیتهایشان بکار گیرند.

اصل شانزدهم. نظامهای نظارتی باید متضمن ترکیبی از نظارتهای مستقیم و غیرمستقیم باشد.

اصل هفدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید به طور مرتب با مدیریت بانکها در تماس باشند و از عملیات نهادهای بانکی کاملاً با اطلاع باشند.

اصل هجدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید وسایل لازم را برای جمع آوری و بررسی و تجزیه و تحلیل گزارشهای عملیاتی و اطلاعات آماری بانکها هم به صورت مفرد و هم بر مبنای تلفیقی در اختیار داشته باشند.

اصل نوزدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید وسایل لازم را برای انجام بررسیهای مستقل اطلاعات نظارتی و تعیین صحت و سقم آن از طریق بازرسی های مستقیم و در محل و یا با استفاده از حسابرسان خارجی در اختیار داشته باشند.

اصل بیستم. نظارت کنندگان بر بانکها باید بتوانند مجموعه نهادهای بانکی را بر مبنای تلفیقی نیز مورد نظارت قرار دهند.

اصل بیست و یکم. نظارت کنندگان باید مراقبت نمایند که کلیه بانکها با اتکاء به روشهای مطمئن و سازگار حسابداری اطلاعات و گزارشهای کافی در مورد عملیاتیان تهیه و ارایه نمایند به گونه ای که نظارت کنندگان بتوانند از وضعیت مالی بانکها و سودآوری فعالیتهای آنها تصویری درست و واقعی در اختیار داشته باشند و همچنین باید مراقبت شود که صورتهای مالی که انعکاس دهنده وضعیت بانکهاست به نحو مرتب تهیه و تنظیم و انتشار یابد.

اصل بیست و دوم. نظارت کنندگان بر بانکها باید وسایل و ابزارهای نظارتی کافی در اختیار داشته باشند

اصل دوازدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها نظامهای لازم را برای اندازه گیری، سنجش دقیق و همچنین کنترل مناسب خطرهای بازار برقرار نمایند. نظارت کنندگان بر بانکها باید در عین حال از اختیارات لازم برای اعمال محدودیتهای خاص در مورد پذیرش خطرات بازار از سوی بانکها برخوردار باشند و بتوانند حد کفایت سرمایه بانکها را در قبال پذیرش این خطرات و در صورت توجیه پذیر بودن آن افزایش دهند.

اصل سیزدهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها با استقرار فرآیند جامع مدیریت خطر به ابزارهای مناسب برای شناخت، سنجش و کنترل سایر انواع خطرات مهم در فعالیتهای بانکی نیز مجهز می باشند و در صورت لزوم نسبت به نگاهداری سرمایه لازم در مقابل این خطرات اقدام می نمایند.

اصل چهاردهم. نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها کنترلتهای داخلی مناسبی را متناسب با ماهیت و مقیاس عملیاتیان بکار گیرند. این کنترلها متضمن ترتیبات مربوط به تفویض اختیار و مسئولیت، تفکیک وظایف ایجاد تعهد و پرداخت وجوه، حسابداری دارایی ها و بدهی ها و تطبیق این فرآیندها، حفاظت از دارایی ها و انجام حسابرسیهای داخلی و خارجی مستقل و همچنین کارکردهای مرتبط با رعایت مقررات و قوانین و اعمال کنترلتهای داخلی برقرار شده و نظایر آن است.

اصل پانزدهم. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده های عمومی و غیر عمومی و تقلبات نظارت کنندگان بر بانکها باید مراقبت نمایند که بانکها با اتخاذ سیاستها و استقرار روشهای مناسب از جمله قواعد مربوط به شناخت مشتریان ضوابط و استانداردهای